

معیارهای تعیین بار اثبات دعوی در نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت

دکتر محمد جعفر قنبری جهرمی *

فرزاد مهرانی **

چکیده

نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت تابع یک نظام خاص (در برابر نظام عام حقوق بین الملل) می باشد. خاص بودن نظام حل اختلاف موضوعی است یعنی فقط به آن دسته از اختلافات کشورهای عضو رسیدگی می شود که در خصوص قوانین تجاری بین المللی بر اساس موافقتنامه های تحت پوشش سازمان جهانی تجارت باشد. خاص بودن به معنای استقلال کامل یا عدم تعلق خاطر به نظام عام حقوق بین الملل نمی باشد بلکه بررسی رویه نظام حل اختلاف حاکی از التزام آن به اصول و قواعد عام بین المللی می باشد. تعیین بار اثبات دعوی یک نهاد حقوقی موجود در کلیه نظام های حقوقی داخلی و نظام بین الملل می باشد. در حقوق بین الملل برای تعیین بار اثبات دعوی معیارهای اساسی وجود دارد که اغلب برگرفته از نظام های حقوقی داخلی است و رویه نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت نه تنها حاکی از تبعیت از قواعد عام موجود است، بلکه با تفسیر قواعد موجود به توسعه تدریجی حقوق بین الملل یاری رسانده است.

کلید واژگان

نظام حل اختلاف، بار اثبات دعوی، سازمان جهانی تجارت، تفاهم نامه حل اختلاف، بار اثبات دعوی.

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** کارشناس ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی.

مقدمه

ایجاد نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت یک گام اساسی به منظور چرخش از نگرش مبتنی بر قدرت و دیپلماسی به سمت نگرش مبتنی بر حقوق در حل و فصل اختلافات بین‌المللی بوده است.^۱ این نگرش در تفاهم‌نامه حل اختلاف سازمان جهانی تجارت شکل حقوقی مدون به خود گرفت و ساز و کارهای نامنسجم حل اختلاف پیش از تأسیس سازمان جهانی تجارت، به صورت منسجم و متحد در قالب یک سند واحد تدوین گردید.^۲ اگر چه این نظام حل اختلاف مبتنی بر اصول و قواعد خاص مقرر در تفاهم‌نامه حل اختلاف می‌باشد، اما به هر روی یک نظام حل اختلاف بین‌المللی است و بالطبع در پرتو اصول کلی حقوقی و قواعد عام حقوق بین‌الملل عمومی عمل می‌کند.

تعیین بار اثبات دعوی یکی از فرایندهای آیین دادرسی است که واجد بنیان‌های حقوقی مشابهی در نظام‌های داخلی و بین‌المللی می‌باشد. تعیین بار اثبات دعوی در مرحله ماهوی رسیدگی به اختلافات طرح می‌شود و در این مرحله محکمه تعیین می‌کند کدام یک از طرفین باید دعاوی خود را اثبات نماید. تعیین اینکه کدام یک از طرفین دعوا باید ادعای خود را ثابت نماید، در نظام‌های حقوقی مختلف تابع اصول و مقرراتی است که قاضی ملزم به رعایت آن می‌باشد. تفاهم‌نامه حل اختلاف و ضمايم آن دارای مقرراتی راجع به نحوه تعیین بار اثبات دعوی می‌باشد که برای ارکان حل اختلاف سازمان جهانی تجارت لازم‌الاتباع است. بررسی رویه ارکان حل اختلاف نیز حاکی از دنباله روی از یک دسته اصول و معیارهای حقوقی برای تعیین بار اثبات دعوی در هر اختلاف می‌باشد. در این

1. Young, Michael K., Dispute Resolution in the Uruguay Round: Lawyers Triumph over Diplomats, 29 Int'l Law 389, 399, (1995).

۲. اچ، جان، جکسون؛ نهادهای بین‌المللی تجارت: گات و سازمان جهانی تجارت، ترجمه محمد جعفر قنبری جهرمی، مجله حقوقی، ش ۲۸، ۱۳۸۲، صص ۲۴۸-۲۴۷.

مقاله ضمن بررسی اصول و مقررات تعیین بار اثبات دعوی در اسناد سازمان جهانی تجارت، رویه ارکان حل اختلاف نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت. هدف از نگارش این مقاله پاسخ به سؤال‌های ذیل می‌باشد: آیا نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت در رابطه با بار اثبات دعوی ملزم به پیروی از اصول و معیارهای حقوقی می‌باشد؟ آیا رویه ارکان حل اختلاف در تعیین معیارهای بار اثبات دعوی از اصول و معیارهای حقوقی معینی پیروی نموده است؟ نگارنده گان تلاش کرده‌اند تا در پرتو مطالعه دکتترین‌های حقوقی و نقطه نظرات متخصصین حقوق بین‌الملل در این حوزه و همچنین بررسی اسناد و رویه‌های قضایی بین‌المللی پاسخ‌های مستدل و مستند برای این سؤال‌ها ارائه کنند.

۱. مفهوم حقوقی بار اثبات دعوی

بار اثبات دعوی یک وظیفه حقوقی است که در جریان رسیدگی به اختلافات بر عهده طرفین اختلاف می‌باشد. اما تعیین بار اثبات دعوی، یعنی اینکه کدام از طرفین در مراحل مختلف دادرسی عهده‌دار اثبات دعوی یا ارائه دلیل می‌باشد، بر عهده محکمه یا مرجع رسیدگی به اختلاف می‌باشد.

بر اساس یک قاعده بنیادین در اغلب نظام‌های حقوقی، هرکس ادعایی را مطرح می‌نماید، باید نسبت به اثبات آن نیز اقدام نماید.^۳ در واقع هر طرف دعوی، منصرف از آنکه خواهان باشد یا خوانده، باید دعاوی و اظهارات خود را به اثبات برساند.^۴ این قاعده‌ای است که در نظام‌های حقوقی داخلی و نظام حقوق بین‌الملل از آن تبعیت می‌شود و در ظاهر به نظر می‌رسد همه مشکلات ناشی از تعیین بار اثبات دعوی را مرتفع می‌سازد.

3. Van der Merwe, et al, Evidence, Cape Town, Juta & Co. Ltd, 1990, p. 425.

4. Kazazi, Mojtaba, The Burden of Proof and Related Issues- A study on Evidence Before International Tribunals (the Hague, Kluwer Law, 1996), p. 378.

با این همه در عمل ظرافت‌ها و پیچیدگی‌هایی در اجرای این قاعده وجود دارد که از یک طرف سیستم‌های حقوقی مختلف را ناگزیر به تدوین اصول و مقررات عام و خاص دیگر می‌نماید و از طرف دیگر بر اهمیت نقش شخص قاضی صحنه می‌گذارد. از آنجا که بار اثبات دعوی یک نهاد حقوقی برآمده از نظام‌های حقوقی داخلی است و از جمله نهادهایی است که مستقیماً از نظام‌های داخلی وارد نظام حقوقی بین‌المللی شده است، لذا لازم است قبل از بررسی مفهوم بار اثبات دعوی در حقوق بین‌الملل به ریشه‌های بار اثبات دعوی در نظام حقوق عرفی و حقوق مدون یا نوشته اشاره شود. اما قبل از آن نگاهی اجمالی به حقوق ایران خواهیم داشت.

۱.۱. مفهوم بار اثبات دعوی در حقوق ایران

بر اساس ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی "هرکس مدعی حقی باشد، باید آن را اثبات کند و مدعی علیه، هرگاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد، اثبات امر بر عهده او است". این ماده ناظر بر تعیین بار اثبات دعوی در نظام عام حقوقی ایران است که مبتنی بر حدیث نبوی "البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر" بوده و طبق آن "اثبات وقایع و اعمال حقوقی سبب حق (مسائل ماهوی) با مدعی است، ولی مبانی قانونی را دادگاه باید احراز کند و به‌طور معمول نیاز به اثبات ندارد"^۵.

این اصل در حقوق مدنی و کیفری اجرا می‌شود اما استثناً بر این قاعده وضعیت قسامه در حقوق کیفری است که بر اساس آن هر زمان که شواهد و قرائن حاکی از مجرم بودن متهم به قتل است، برخلاف اصل فوق، این متهم است که باید ثابت کند بی‌گناه

۵. ناصر، کاتوزیان؛ قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر میزان، چاپ پانزدهم، تابستان ۱۳۸۶، ص ۷۲۵، پارگراف ۴.

نیست و گرنه مدعی پنجاه بار سوگند می خورد و اتهام ثابت می شود.^۶
در حقوق ایران دلایل اثبات دعوی شامل اقرار، اسناد کتبی، شهادت، امارات و قسم است (ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی) که در هر دعوی حسب مورد توسط طرفین اختلاف اعمال می شود.

۱.۲. در نظام های حقوقی عرفی (کامن لا)^۷

در نظام حقوقی کامن لا اصطلاح "بار اثبات دعوی" یک واژه مبهم است و حاکی از دو معنای متفاوت است:

مفهوم اولیه و واقعی آن "وظیفه یک طرف در متقاعد کردن محکمه نسبت به صحت اظهارات صورت گرفته" است. این بار اثبات دعوی اصطلاحاً "بار متقاعد سازی" یا "خطر عدم امکان متقاعد کردن" نامیده شده است. یعنی اگر مستندات ارائه شده از جانب طرفین برای متعاده سازی کافی نبوده است، طرفی که بار متعاده سازی را بر عهده دارد، بازنده دعوی خواهد شد.^۸

مفهوم دوم بار اثبات دعوی در نظام کامن لا ناظر بر بار ارائه دلیل می باشد. در این معنی، بار اثبات دعوی یک موضوع آیین دادرسی است و در بیشتر نظام های عرفی، ناظر بر روابط میان قاضی و هیئت منصفه است. این معیار یکی از عواملی است که می تواند قاضی را در واگذاری موضوع به هیئت منصفه (برای تصمیم گیری) متقاعد نماید و در صورت نبودن هیئت منصفه قاضی می تواند اجازه ادامه دادرسی را صادر نماید. در این مفهوم، بار

۶. ابولحسن، محمدی؛ قواعد فقه، نشر میزان، چاپ نهم، زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۹۴.

7. Common Law.

8. Pawelyn, Joost, Evidence, Proof and persuasion in WTO Dispute Settlement, Journal of International Law 1, 1998, p.229.

اثبات دعوی ناظر بر وظیفه مدعی در اثبات اولیه دعوی (prima facie) به صورت علی الظاهر^۹ می‌باشد یعنی ارائه مستندات کافی از جانب مدعی به منظور متقاعد کردن محکمه نسبت به وجود ادعا. با اثبات اولیه دعوی، که اغلب نیاز به مستندات بسیار مبسوطی ندارد، محکمه ادعای اولیه را مورد بررسی قرار خواهد داد البته مستنداتی که برای اثبات اولیه دعوی مورد نیاز است، حتی اگر مدعی علیه پاسخی ارائه ندهد، اغلب برای اثبات ادعا به عنوان یک موضوع حقوقی کافی نمی‌باشد^{۱۰}. وجود چنین توالی زمانی در اثبات بار دعوی مبتنی بر دکرین سنتی می‌باشد حال آنکه واضح است در عمل همواره واضح نیست که در یک دعوای خاص کدام یک از طرفین باید بار اثبات دعوا را به دوش بکشد^{۱۱}.

۱.۳. در نظام‌های حقوقی مدون (civil law)

در نظام‌های حقوقی مدون بار اثبات دعوی تنها یک معنی دارد و ناظر بر وظیفه طرفین اختلاف بر اثبات دعاوی خودشان می‌باشد (actori incumbit probatio). این معنا تنها بر مفهوم اولیه بار اثبات دعوی در نظام حقوقی عرفی انطباق دارد، یعنی وظیفه یک طرف در متقاعد سازی محکمه نسبت به صحت اظهاراتی که صورت گرفته است. در نظام‌های حقوقی مدون، چه در دادرسی مدنی و چه در دادرسی کیفری، کارکردهای قضایی میان قاضی و هیئت منصفه تقسیم نمی‌شود و لذا اساساً مفهوم دوم بار اثبات دعوی در نظام حقوقی عرفی نمی‌تواند وجود داشته باشد^{۱۲}.

9. Prima facie.

10. Pawelyne, Joost, Ibid.

11. McGovern, International Trade Regulation, Globefield Press, Globefield, Exeter EX3 0NA, England. 2002, p 23.

12. Pawelyne, op.cit. pp.229-230.

۱.۴. در حقوق بین الملل (مفهوم عام)

بار اثبات دعوی یک مفهوم آیین رسیدگی است که ناظر بر اداره منصفانه و منظم دعاوی و اختلافات می باشد.^{۱۳} بار اثبات دعوی در واقع یک مسئله شکلی در آیین دادرسی است که منفک از مباحث مربوط به سنجش اعتبار و ارزش دلیل یا مستندات می باشد، هر چند این تفکیک اغلب کمتر مورد توجه پژوهش گران قرار می گیرد.^{۱۴} در تبیین مفهوم بار اثبات دعوی در حقوق بین الملل گفته شده است "بار اثبات دعوی وظیفه هر یک از طرفین اختلاف است در اثبات دعاوی خود به قصد متقاعد نمودن محکمه و مطابق با قواعد پذیرفته شده"^{۱۵}. این مفهوم مشابه مفهوم بار اثبات دعوی در نظام های حقوقی مدون و همچنین مفهوم اولیه در نظام حقوقی کامن لا یعنی "متقاعد سازی"^{۱۶} می باشد. از آنجا که نظام های حل اختلاف بین المللی فاقد هیئت منصفه (مانند نظام کامن لا) می باشند، لذا مفهوم انتقال قضاوت از قاضی به هیئت منصفه اساساً در حقوق بین الملل مطرح نیست.^{۱۷} بنابراین بر خلاف نظام های حقوقی کامن لا، که رسیدگی به قضیه در دو مرحله انجام می شود و پس از آنکه قاضی شواهد و مدارک را کافی برشمرد، موضوع را به هیئت منصفه احاله می کند، رسیدگی در محاکم بین المللی شامل دو مرحله نمی باشد و محاکم

13. Report of The Panel, Thailand-Anti-Dumping Duties on Angles, Shapes and Sections of Iron or Non-Alloy Steel and H-Beams from Poland, 28 September 2000, p. 19, para. 7.50 (WT/DS122/R).

14. Pfizer. Headen. James & Sabune Sheila, Burden of Proof in WTO Dispute Settlement: Contemplating Preponderance of the Evidence, International Centre for Trade and Sustainable Development, Issue Paper No.9, April 2009, p.25.

15. Ibid. p.30.

16. Persuasion.

17. Kazazi. op. cit. n. 10. p.31-32.

بین‌المللی از این حیث از نظام‌های حقوقی مدون پیروی می‌کنند.^{۱۸}

در اختلافات بین‌المللی، محاکم اغلب در ارزیابی دعوی مطروحه از آزادی عمل قابل ملاحظه‌ای برخوردار می‌باشند.^{۱۹} برای مثال در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی علیه نیکاراگوئه (دعوی نیکاراگوئه علیه آمریکا) در سال ۱۹۸۶ دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام می‌دارد: "دیوان در چارچوب اساسنامه و قواعد خود، ... در سنجش اعتبار مستندات، از آزادی عمل برخوردار است ... هرچند واضح است که اصول کلی آیین دادرسی قضایی بر تعیین اثبات ادعا حاکم خواهد بود...".^{۲۰} دیوان همچنین در قضیه اختلاف مرزی (دعوی بورکینا فاسو علیه مالی)، وجود مستندات مربوطه به نقشه جغرافیایی منطقه را کافی برای اثبات دعوی ندانست و بر نقش تعیین‌کننده محکمه صحه گذارد: "نقشه‌ها اثر حقوقی بیشتر از مستندات تکمیلی ندارند و دیوان می‌تواند از طریق ابزارهای دیگر نیز به نتیجه قطعی در این خصوص دست یابد".^{۲۱}

اختیارات وسیع محاکم بین‌المللی در ارزیابی و جانب‌داری محاکم از ارائه یک استاندارد مشخص برای شواهد و قراین، از جمله معیارهایی است که آیین رسیدگی به دعوی در حقوق بین‌الملل را از آیین دادرسی داخلی مجزا می‌نماید.^{۲۲}

18. Ibid.n.10.p.31.

19. Cameron, James & Gray.R. Kevin, Principles of International Law in the WTO Dispute Settlement Body, International and Comparative Law Quartely, Vol. 50, April 2001, p. 277.

20. Nicaragua Case, Merits, Judgment of 27 June 1986, ICJ Reports, 1986, at 40, para,60.

21. Case Concerning the Frontier dispute(Burkina Faso v Mali), ICJ Reports, 10 January 1986, at 583, para.56.

22. Kazazi,op.cit.n.3.p.367.

۱.۵. در نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت (مفهوم خاص)

نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت قبل از هر چیز یک نظام حل اختلاف بین‌المللی با کارکرد موضوعی خاص (قوانین تجاری بین‌المللی) است، لذا تفکیک صورت گرفته در عناوین تنها به منظور بررسی دقیق‌تر این نظام بین‌المللی خاص می‌باشد.

اهمیت مسئله بار اثبات دعوی برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی در نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت نیز به رسمیت شناخته شده است.^{۲۳} در قضیه وضع مالیات بر فروش شرکت‌های خارجی (دعوی آمریکا علیه اتحادیه اروپا)، هیئت رسیدگی نظر اتحادیه اروپا را رد کرد. اتحادیه اروپا بر این باور بود که هیئت رسیدگی همه اطلاعات مورد نیاز را در اختیار داشت و باید در این خصوص رأساً تصمیم می‌گرفت زیرا، بررسی مسئله بار اثبات دعوی تنها زمانی ضرورت دارد که شواهد و قرائن کافی وجود ندارد.^{۲۴}

رکن استیناف در قضیه واردات آمریکا- پیراهن و لباس‌های ابریشمی (دعوی هند علیه آمریکا) مفهوم بار اثبات دعوی را یک مسئله آیین دادرسی برشمرد، به این ترتیب که بار اثبات دعوی را در مفهوم اثبات اولیه دعوی (prima facie) یا ارائه دلیل اولیه قلمداد کرد. این تلقی به‌طور ضمنی حاکی از آن است که مستندات ارائه شده باید فرض نقض یک قاعده را اثبات نماید. رکن استیناف بر این باور بود که ماهیت مستندات و قدرت

۲۳. برای مثال نگاه کنید به: گزارش هیئت رسیدگی در قضیه، اقدامات مؤثر بر مصرف‌کنندگان کاغذ و فیلم عکاسی (دعوی ژاپن علیه آمریکا)، WT/DS44/R, 1998, para. 10.28، در آنجا هیئت رسیدگی بر ماهیت پیچیده وقایع موجود تأکید می‌نماید و در خصوص ۱۶ اقدام ایالات متحده که بنا بر ادعای ژاپن، اضرار بدون نقض تعهدات به حساب می‌آمد، موضوع اختصاص بار اثبات دعوی برای حل و فصل قضیه اهمیت ویژه‌ای یافت.

24. Panel Report, US-Tax Treatment for Foreign Sales Corporations-Recourse to Article 21.5 of the DSU by the European Communities(US-FSC(21.5)), 2001, para.7.15.

اثباتی آن در نقض قاعده، نسبی بوده و بسته به هر قضیه، قواعد ذی ربط و اقدامات انجام شده متفاوت خواهد بود.^{۲۵} لذا اگر طرفی که بار اثبات اولیه دعوی را بر عهده دارد، مستندات کافی برای اثبات ادعای خویش (مبنی بر نقض مقررات) ارائه نماید، بار اثبات دعوی منتقل می شود به مدعی علیه و او است که باید مستندات کافی در رد ادعای مطروحه ارائه نماید.^{۲۶}

به عبارت دیگر فرض این است که هرگونه نقض قواعد سازمان جهانی تجارت به منزله محو منافع یا تحمیل ضرر به منافع اعضا می باشد و لذا عضو مورد اعتراض باید عدم صحت چنین فرضی را ثابت نماید، اما قبل از احراز نقض صورت گرفته، این طرف استاد کننده یا معترض است که باید با ارائه دلیل و مستندات ادعای خود را ثابت کند و صرف یک ادعای ساده نمی تواند ناظر بر دلیل باشد.^{۲۷}

بنابراین واضح است که نقش ارکان حل اختلاف در تعیین بار اثبات دعوی بسیار حائز اهمیت است اما در هر قضاوت این امر باید بر مبنای اصول و معیارهایی انجام پذیرد که در تفاهم نامه حل اختلاف سازمان جهانی تجارت و اصول کلی حقوق بین الملل مقرر گردیده است.

۲. عوامل تعیین کننده بار اثبات دعوی

به طور کلی در هر اختلافی سه بازیگر اصلی وجود دارد: خواهان، خوانده و قاضی یا

۲۵. نگاه کنید به: گزارش رکن استیناف در قضیه پیراهن ها و لباس های ابریشمی - بخش ۴.

26. Mc.Govern, op.cit.n.5.p.2.23-50.

همچنین نگاه کنید به: گزارش رکن استیناف در قضیه اقدامات اتحادیه اروپا در خصوص واردات گوشت و محصولات گوشتی (هورمونس)، ۱۹۹۸ پاراگراف ۹۸.

۲۷. فابری، هلن رویز و مارک سورل، ژان؛ آیین های دادرسی بین المللی، ترجمه و تحقیق از ابراهیم بیگ زاده، مجله حقوقی، ش ۲۴، ۱۳۷۸، ص ۲۳۹.

داور. هر کدام از این بازیگران نقش به خصوصی در رابطه با بار اثبات دعوی بر عهده دارد و جمع اثر نقش این بازیگران است که در نهایت بار اثبات دعوی را در یک قضیه تعیین می نماید.^{۲۸} اما در ماهیت نقش طرفین یک تفاوت اساسی وجود دارد، به این ترتیب که وظیفه طرفین اختلاف در بار اثبات دعوی محدود به وقایع حقیقی است به این معنی که طرفین اختلاف از طریق ارائه شواهد و مدارک محکمه را در کشف حقیقت یاری نمایند.^{۲۹} اما عموماً نقش محکمه کشف قوانین قابل اجرا در خصوص بار اثبات دعوی با توجه به شواهد و مدارک یا مستندات ارائه شده از جانب طرفین است.

۲.۱. نقش طرفین اختلاف (خواهان و خوانده)

براساس بند دهم ماده ۳ تفاهم نامه حل اختلاف ".... درخواست حل و فصل اختلاف و استفاده از نظام های حل اختلاف نباید به عنوان اعمال خصومت طلبانه در نظر گرفته شود و زمانی که اختلافی بروز می کند، همه اعضای درگیر باید با حسن نیت نسبت به حل و فصل اختلاف مبادرت ورزند" لذا طرفین یک اختلاف وظیفه دارند که حقایق مربوط به موضوع اختلاف را نزد محکمه مطرح نمایند. این وظیفه ناشی از منطوق اصل حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی است که هم اکنون یک تعهد عام الشمول در حقوق بین الملل می باشد.^{۳۰} در قضیه اقدامات مؤثر بر منسوجات (دعوی آرژانتین علیه آمریکا)، هیئت رسیدگی بر این امر صحه گذارد که هر دو طرف باید در احراز حقایق و شواهد همکاری نمایند^{۳۱}، البته این همکاری از زمانی برای هر دو طرف به صورت یک وظیفه در

28. Kazazi, op.cit,n.2.p.369.

29. Pawelyn, op.cit.p. 230.

30. Kazazi, op.cit.n2.p.375.

31. Argentina- Measures Affecting Imports of Footwear, Textiles, Apparel and Other Items, Panel Reports, 25 November 1997.(WT/DS56/R).

می‌آید که مدعی دعوای خود را از طریق ارائه دلایل کافی مسجل کرده باشد.^{۳۲} همچنین در قضیه آمریکا-ماده (۵) ۱۱۰ قانون حق نسخه برداری آمریکا (دعوای اتحادیه اروپا علیه آمریکا)، هیئت رسیدگی، ارائه مدارک و شواهد و همکاری با هیئت رسیدگی را وظیفه هر دو طرف بر می‌شمرد و این موضوع را با مسئله بار اثبات دعوی متفاوت ارزیابی نمود.^{۳۳}

نکته قابل توجه دیگر آنکه چنانچه در یک اختلاف، یک طرف از ارائه مدارک و شواهد خودداری نماید، هیئت رسیدگی می‌تواند برخلاف ادعای آن طرف، نتیجه‌گیری نماید.^{۳۴} این امر می‌تواند یک ضمانت اجرا بر اصل همکاری طرفین اختلاف در گردآوری معیار اثبات دعوی کافی راجع به موضوع مورد اختلاف باشد.

بنابراین لزوم همکاری طرفین یک اختلاف در ارائه مستندات امری پذیرفته شده در حقوق سازمان جهانی تجارت و رویه نظام حل اختلاف می‌باشد. با این همه باید توجه داشت که طرفین اختلاف به لحاظ آیین دادرسی در تعیین بار اثبات دعوی نقشی ندارند، بلکه صرفاً با ارائه مستندات و شواهد و مدارک محکمه را در أخذ تصمیم مقتضی یاری می‌رسانند. مفهوم مخالف این عبارت آن است که چنانچه طرفین از همکاری با محکمه در ارائه مستندات سرباز زنند، این عدم همکاری هم در تعیین بار اثبات دعوی و هم در نحوه تصمیم‌گیری قاضی یا داور در مسائل ماهوی تأثیرگذار خواهد بود.

۲.۲. نقش مرجع رسیدگی یا نظام حل اختلاف

نقش نظام حل اختلاف (به جز در مورد نظام‌های قضایی کامن لا) برخلاف آنچه که

۳۲. گزارش رکن استیناف در قضیه اقدامات مؤثر بر واردات پیراهن‌ها و لباس‌های ابریشمی (دعوای هند علیه آمریکا-۱۹۹۷)، بخش ۴ پاراگراف ۶.

33. Panel Report, United States-Section 110(5), of the US Copyright Act (US-Copyright Act), WT/DS160/R, 2000. para.6.

34. McGovern, op.cit, n.5.p.2.,

در خصوص نقش طرفین دعوی اظهار شد، احصا و اجرای قانون است (*jura novi curia*)^{۳۵} یعنی قاضی خود قانون را می‌داند. لذا محکمه با توجه به مستندات ارائه شده از جانب طرفین، نسبت به تعیین قانون قابل اجرا در هر قضیه اتخاذ رأی می‌نماید. اما به‌طور کلی مراجع رسیدگی بین‌المللی در رابطه با تعیین بار اثبات دعوی واجد اختیارات موسعی به شرح ذیل می‌باشند: ۱- اختیار حقیقت یابی یا پرس و جو و تحقیق راجع به موضوع ۲ - اختیار تعیین بار اثبات دعوی میان طرفین ۳- اختیار تأیید تحقق اثبات دعوی ۴- اختیار تعیین توالی زمانی دفاعیات و مدارک ارائه شده برای اثبات دعوی ۵- اختیار پذیرش یا رد دفاعیات و یا مدارک ارائه شده جهت اثبات دعوی ۶- اختیار پذیرش، ارزیابی و ارزش‌گذاری مدارک ارائه شده برای اثبات دعوی^{۳۶}. همچنین محاکم می‌توانند موضوعات فنی را به کارشناسان ذی‌ربط ارجاع دهند یا اینکه تحقیق و بررسی را به شخص ثالثی غیر از طرفین اختلاف واگذار نمایند.

نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت اختیار اداره و مدیریت جریان رسیدگی به دعاوی را بر عهده دارد (مواد ۱۲ و ۱۳ تفاهم‌نامه حل اختلاف). این اختیار اداره نظام حل اختلاف را بر آن می‌دارد تا به منظور تعیین بار اثبات دعوی و اخذ سایر تصمیمات از طریق پرسش از طرفین (گزارش هیئت رسیدگی در قضیه تایلند- فولاد (۲۰۰۰)^{۳۷})، و یا از طریق مشاوره با کارشناسان ذی‌ربط (ماده ۱۳ تفاهم‌نامه حل اختلاف)^{۳۸} نسبت به تعیین قانون قابل

۳۵. در قضیه نیکاراگوئه دیوان صراحتاً اعلام داشت "برای اینکه ادعایی کاملاً مبتنی بر قانون باشد، قاعده *jura novit curia* به این معنی است که دیوان برای تعیین قانون قابل اجرا تنها متکی بر مباحث مطروحه از جانب طرفین نمی‌باشد. (Nicaragua Case, Merits, n.10, at 24, para.29)

36. Kazazi, op.cit.n.2.p.375.

۳۷. گزارش هیئت رسیدگی، پانوش شماره ۷، پاراگراف ۷۵۰.

۳۸. همچنین نگاه کنید به: گزارش رکن استیناف در قضیه مالیات بر نوشیدنی‌های الکلی (دعوی کره علیه اتحادیه اروپا- ۱۸ ژانویه ۱۹۹۹)، پاراگراف ۱۵۷ (WT/DS84/AB/R) و همچنین گزارش هیئت رسیدگی در قضیه اقدامات مؤثر بر بخش خودروسازی (دعوی هند علیه ژاپن ۲۰۰۱)، پاراگراف ۷،۲۹۴.

اجرا در هر مورد مبادرت ورزد (گزارش رکن استیناف در قضیه آمریکا- پیراهن‌ها و لباس‌های ابریشمی (دعوای هند علیه آمریکا-۱۹۹۷)^{۳۹}). بنابراین در هر اختلاف، این نظام حل اختلاف است که تعیین می‌کند بار اثبات دعوی بر عهده کدام از یک طرفین اختلاف است، این تصمیم بستگی به اصول و معیارهای حقوقی موجود، نحوه همکاری طرفین دعوی و اوضاع و احوال مربوط به هر قضیه دارد.

۳. معیارهای تعیین بار اثبات دعوی

قواعد تعیین بار اثبات دعوی اگرچه ماهیتاً واجد پیچیدگی‌های فنی هستند، اما اغلب صریح می‌باشند^{۴۰}. این قواعد از یک طرف ناظر بر تعیین طرفی است که بار اثبات دعوی را به عهده دارد و از طرف دیگر بر ارزیابی و سنجش اعتبار مستندات یا دلایل ارائه شده، حاکم است. معیارهای تعیین بار اثبات دعوی در حقوق بین‌الملل عمدتاً برگرفته از نظام‌های حقوقی داخلی و حقوق عرفی است. در ادامه ضمن بررسی اجمالی در حقوق بین‌الملل به عنوان حقوق عام، به شناخت بیشتر این معیارها از طریق بررسی رویه نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت خواهیم پرداخت.

۳.۱. در حقوق بین‌الملل

از آنجا که در حقوق بین‌الملل یک نظام متمرکز قانون‌گذاری وجود ندارد، قواعد آیین دادرسی محاکم بین‌المللی واحدی وجود ندارد، بلکه هر مرجع حل اختلاف بین‌المللی، بر اساس اساسنامه خود عمل می‌کند. برای مثال مواد ۳۹ تا ۶۴ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مربوطه به آیین دادرسی این دیوان می‌باشد. همچنین ضمیمه سوم

39. WT/DS33/AB/R, 1997, para. 8.60.

40. Joost Pawelyn, op.cit., p.228.

تفاهم‌نامه حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، که عمدتاً بازه‌های زمانی وصول دادخواست‌ها را تعیین کرده است، مربوط به آیین دادرسی می‌باشد.^{۴۱} اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص تعیین بار اثبات دعوی ساکت است، اما رویه دیوان حاکی از آن است که نمی‌توان یک قاعده کلی را که در تمامی اختلافات جاری باشد، استخراج نمود و در هر قضیه همه چیز بستگی به اوضاع و احوال و قواعدی دارد که مورد چالش هستند.^{۴۲} برای مثال دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوه‌های نفتی اعلام کرد: "اگر ادله کافی برای اثبات اینکه موشک از سوی ایران شلیک شده، وجود نداشته باشد، در این صورت بار اثبات دعوی بر عهده ایالات متحده است"^{۴۳}. بر اساس نظر دیوان اگر از اوضاع و احوال مربوطه نتوان قطعیت ارسال موشک از ایران را ثابت کرد، آمریکا به عنوان مدعی ملزم است با ارائه مستندات ادعای خود را ثابت نماید. در هر حال یک دسته اصول و قواعد کلی در خصوص تعیین بار اثبات دعوی در حقوق بین‌الملل وجود دارد که در رویه محاکم بین‌المللی به آن استناد می‌شود. اصولی که عمدتاً مستخرج از نظام‌های حقوقی داخلی است.

در آیین دادرسی بین‌المللی مانند نظام‌های داخلی، بار اثبات دعوی منتقل نمی‌شود و طرفی که بار اثبات دعوی را بر عهده دارد تا پایان جریان رسیدگی آن را حفظ خواهد کرد. البته طرفی که بار اثبات دعوی را بر عهده دارد همواره فقط یکی از طرفین نمی‌باشد، به بیان دیگر هر ادعا یا اظهاریه‌ای باید از جانب طرفی که آن را مطرح کرده است اثبات

۴۱. نگاه کنید به: پارگراف‌های (A) تا (K) از ماده ۱۲ ضمیمه سوم تفاهم‌نامه حل اختلاف.

42. Kolb, Robert, General Principles of Procedural Law, in The statute of the International Court of Justice: A Commentary 1081, (Andreas Zimmerman ed., 2006, p.793.

43. Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America, Merits, Judgment 6 November 2003, ICJ Reports, 2003, 161, at 185, para.48.

شود.^{۴۴} در مقابل طرفی که ادعایی علیه او مطرح شده است، عهده‌دار اثبات استثنائات یا دفاعیات مثبت خود می‌باشد. در همین خصوص دیوان در قضیه ال سی (Elettronica Sicula S.P.A (ELSI) دعوی آمریکا علیه ایتالیا، راجع به عدم پذیرش دعوی در محاکم بین‌المللی مگر پس از به نتیجه نرسیدن راه حل‌های داخلی، اعلام داشت بر طرف خوانده است که چنین استثنائی را ثابت نماید: "هرگز در یک قضیه که رجوع به محاکم داخلی صورت گرفته است، آسان نیست که اعلام کنیم راه حل‌های داخلی به نتیجه نرسیده است ... اگرچه ایتالیا (که مدعی است که دعوی به دلیل قاعده توسل به راه حل‌های داخلی، پذیرفته نیست) باید نشان دهد که راه حل‌های داخلی وجود داشته که اجرا نشده است یا اجرا شده اما به نتیجه نرسیده است، لذا ما تصور نمی‌کنیم که بار اثبات دعوی از عهده ایتالیا خارج شده باشد...^{۴۵}

نکته قابل توجه دیگر لزوم سنجش اعتبار و ارزش مثبت مستندات بر اساس معیارهای حقوق بین‌الملل است. به واقع محاکم بین‌المللی این اختیار را دارند که در هر دعوی در خصوص اعتبار یا قابلیت پذیرش مستندات چه معیارهایی را مورد بررسی قرار دهند.^{۴۶} پیش از آنکه محاکم در خصوص رفع وظیفه اثبات دعوی از عهده طرفین تصمیم‌گیری نمایند، لازم است در خصوص صحت مستندات بر اساس معیارهای سنجش اتخاذ رأی نمایند. سنجش اعتبار یا ارزش مثبت مستندات یک اقدام عینی است که بر اساس تشخیص محکمه و منوط به نظر قاضی است.^{۴۷}

44. Powelyne, op.cit.p.232.

45. Judgment of 20 July 1999, ICJ Reports at 46-47 , paras.62-63.

46. Ibid. p. 230.

47. Kazazi,op.cit.n.2,p.377.

۳،۲. در نظام حل اختلاف WTO

به طور کلی در هر اختلاف بین المللی فرض اولیه آن است که مستندات ارائه شده توسط مدعی می توانند درستی ادعای او را ثابت نمایند مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.^{۴۸} لذا چنانچه مدعی علیه مستنداتی جهت رد دعوی صورت گرفته ارائه ننماید، خطر صدور حکم به ضرر خود را به جان خریده است.^{۴۹} البته این به آن معنا نیست که در صورت عدم ارائه مدارک مخالف، دادگاه به طور خودکار به نفع مدعی حکم خواهد داد.^{۵۰} البته ناتوانی مدعی علیه در رد دعاوی صورت گرفته علیه او، منجر به آن می شود که بار اثبات دعوی به طور کل از مدعی ساقط شود. بدیهی است چنانچه مدعی علیه نیز در پاسخ نسبت به ارائه مدارک و شواهد مخالفی اقدام نماید، محکمه مستندات ارائه شده از جانب دو طرف را مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد داد.^{۵۱} در واقع سقوط وظیفه اثبات اولیه دعوی لزوماً به این معنی نیست که بار اثبات دعوی به طور کل از عهده مدعی خارج شده است بلکه صرفاً منجر به ایجاد وظیفه مدعی علیه در دفاع از خود و ارائه مستندات می گردد.^{۵۲} این معیار که اصطلاحاً بار اولیه اثبات دعوی یا بار ارائه دلیل اولیه^{۵۳} نامیده می شود، از اصول مهم مشترک در اغلب نظام های حقوقی است در مقابل لزوم دفاع یا استناد به استثنائات موجود از جانب مدعی علیه در پاسخ به ارائه دلیل اولیه قاعده دیگری است که در جریان رسیدگی به اختلافات رعایت می شود. غیر قابل تردید بودن، معیار دیگری است که اغلب در دعاوی کیفری مورد ارزیابی قرار می گیرد. منظور از غیر قابل تردید بودن آن است که بر اساس

48. Kazazi, Ibid.

49. Van der Merwe, S.E. Et al, Evidence, Cape Town, Juta & Co. Ltd, 1990. n.1 p. 425.

50. Ibid.

51. Ibid.

52. Kazazi, op. cit. n.2. pp. 24-30.

53. Prima facie.

دانش و تجربه انسانی نتوان منطقاً یا به واسطه احتمالات و مفروضات تردیدی در معیار اثبات دعوی ارائه شده وارد کرد^{۵۴}. بنابراین چنانچه مدعی در حمایت از دعاوی خود مستنداتی ارائه نماید که منطقاً غیر قابل تردید و رد باشد، بار اثبات دعوی از عهده مدعی خارج و بر عهده مدعی علیه قرار خواهد گرفت. برتری و مزیت مستندات یا قدرت اقناع آنها نیز از دیگر معیارهایی است که در رویه حل اختلاف به کار گرفته شده است. بر اساس این معیار که از آن به عنوان کامل ترین معیار در دعاوی بین المللی یاد شده است^{۵۵}، اهمیت و وزن مستندات ارائه شده مورد توجه قرار می گیرد. به این ترتیب که چنانچه مستندات ارائه شده از جانب مدعی، از لحاظ کمی و کیفی واجد وصف متقاعد کنندگی برای محکمه را داشته باشند، دعوی مورد قبول قرار خواهد گرفت و بار اثبات دعوی به مدعی علیه منتقل خواهد شد.

- رکن استیناف در قضیه آمریکا-لباس ها و پیراهن های ابریشمی، رویه گات در رابطه با اختصاص بار اثبات دعوی را در موارد ذیل تأیید نموده است:
- طرف مدعی باید نقض صورت گرفته را اثبات نماید.
 - طرفی که به یک استثناء استناد می کند یا دفاعیه ای ایراد می نماید باید وجود شرایط ذی ربط را ثابت نماید.
 - طرفی که مدعی وجود یک واقعیت است باید آن را ثابت نماید^{۵۶}.

54. Van der Merwe, S. E, op.cit.n.1.p.423.

55. Kazazi, op.cit.n.2.p.377.

۵۶. رکن استیناف در قضیه اقدامات مؤثر بر واردات پیراهن ها و لباس های ابریشمی (دعوی هند علیه آمریکا-۱۹۹۷) با استناد به رویه قضایی دیوان دادگستری بین المللی در تأیید این قاعده که هر کس مدعی امری باشد باید آن را ثابت نماید (WT/DS33/AB/R,1997,sec.IV) اعلام می دارد که این یک قاعده پذیرفته شده است که بار اثبات دعوی بر عهده طرفی است که چه در مقام خواهان یا خوانده، دعوا یا

رویه رکن حل اختلاف همچنین حاکی از آن است که در هر اختلاف طرف شاکی باید شواهد و قرائن کافی برای اثبات نقض یک قاعده از جانب طرف دیگر را فراهم آورد.^{۵۷} البته هیئت رسیدگی ملزم نیست تا در هر اختلاف صراحتاً اعلام نماید که بار اثبات دعوی بر عهده کدام طرف است.^{۵۸}

پر واضح است که موارد مذکور در گزارش رکن استیناف دو اصل را مورد تأکید قرار داده است: بار اثبات اولیه دعوی (مورد اول و سوم) و لزوم اثبات دفاعیه یا استناد به استثنائات از جانب مدعی علیه (مورد دوم). در ادامه هر یک از معیارهای نام برده مورد بررسی عمیق‌تر قرار خواهد گرفت.

۳،۲،۱. معیار بار اثبات اولیه دعوی (شاکی باید ادعای خود مبنی بر نقض مقررات را اثبات نماید)

مسئله بار اولیه اثبات دعوی اولین بار توسط ایالات متحده، مطرح گردید: "... زمانی که طرف شاکی ادعای خود را ثابت نمود، نوبت به مدعی علیه خواهد رسید تا ادعای مطرح شده را از طریق ارائه مستندات مردود نماید..."^{۵۹}. اما پس از آن در دعاوی مختلف توسط هیئت رسیدگی و رکن استیناف به عنوان یک قاعده اساسی مورد توجه قرار گرفت.

←
دفاعیه‌ای را مطرح می‌نماید. نگاه کنید به: گزارش هیئت رسیدگی در قضیه اقدامات مؤثر بر واردات کفش، الیاف و سایر اقلام (دعوی آرژانتین علیه ...، WT/DS56/R, 1997, P.6.35.
۵۷. گزارش رکن استیناف؛ پانوشت پیشین، همچنین نگاه کنید به: تصمیم هیئت داوری در قضیه اقدامات اتحادیه اروپا در خصوص گوشت و محصولات گوشتی (هورمون‌ها) - دعوی کانادا علیه اتحادیه اروپا - ارجاع به داوری بر اساس بند ۶ ماده ۲۲ تفاهم‌نامه حل اختلاف، WT/DS48/ARB, 1999, para.9.
۵۸. گزارش رکن استیناف؛ محدودیت‌های مقداری بر واردات محصولات کشاورزی، منسوجات و محصولات صنعتی (دعوی هند)، WT/DS90/AB/R, 1999, para. 137.

⁵⁹. Panel Report, Japan-Taxes on Alcoholic Beverages, 11/July 1996, para.4.32.

هیئت رسیدگی در گزارشات خود در قضایای ژاپن-الکل^{۶۰} و هندوستان-حق اختراع^{۶۱} و رکن استیناف در قضیه آمریکا-پیراهن‌ها و لباس‌های ابریشمی^{۶۲} صراحتاً این قاعده را تأیید نموده‌اند. در قضیه ژاپن-الکل هیئت رسیدگی به شکایات اتحادیه اروپا، کانادا و آمریکا (مبنی بر آنکه نظام مالیاتی ژاپن بر مشروبات قائل به تبعیض میان محصولات داخلی و خارجی بوده است و ژاپن ماده ۳ گات را نقض کرده است) اعلام کرد: "...طرفین شاکی بار اثبات دعوی را بر عهده دارند و باید ابتدا نشان دهند که محصولات مشابه هستند و سپس ثابت کنند که بر محصولات مشابه خارجی مالیات بیشتری نسبت به محصولات داخلی وضع شده است"^{۶۳}. همچنین در خصوص ادعای دیگر راجع به نقش ماده ۳، هیئت رسیدگی تصریح نمود "... طرفهای شاکی بار اثبات دعوی را بر عهده دارند و ابتدا باید ثابت نمایند که محصولات مورد بحث مستقیماً قابل رقابت یا قابل جایگزینی هستند و

60. Japan- Taxes on Alcoholic Beverages adopted on 20 May 1996, WT/DS8/ 11,10/ 11 and 11/8.

61. India – Patent Protection for Pharmaceutical and Agricultural Chemical Products (India-Patent, adopted on 16 January 1998, WT/DS50/R).

62. USA-Shirts and Blouses(adopted on 23 May 1997, WT/DS33/AB/R).

در قضیه آمریکا-پیراهن‌ها و لباس‌های ابریشمی، شکایتی از جانب دولت هند مطرح شده بود مبنی بر آنکه اقدامات حفاظتی موقتی که توسط ایالات متحده بر واردات پیراهن‌ها و لباس‌های پشمی از هند وضع گردیده، مطابق تعهدات ماده ۲، ۶ و ۸ موافقتنامه منسوجات و پوشاک نمی‌باشد. رکن استیناف در خصوص مسئله تعیین بار اثبات دعوی اعلام داشت "... بسیار جالب است که محاکم بین‌المللی مختلف، از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری به اتفاق و به‌طور یکنواخت این قاعده را پذیرفته‌اند که طرف مدعی وجود یک حقیقت، چ، مسئول تأمین مدارک برای اثبات ادعایش می‌باشد. این یک قانون کلی تعیین بار اثبات دعوی است که در نظام حقوقی مدون، کاملاً و در حقیقت در بسیاری از نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است که بار اثبات دعوی بر عهده طرفی است، چه خواهان و چه خوانده، که یک ادعای به‌خصوص یا دفاعیه‌ای را مطرح می‌سازد.

63. Panel Reports, 1996, para.6.14.

محصولات خارجی به نحوی مالیات گذاری شده‌اند که حمایت از محصولات داخلی را تأمین نمایند"^{۶۴}.

در قضیه آمریکا- لباس‌های زیر (دعوی کاستاریکا علیه آمریکا) هیئت رسیدگی تأکید نمود: "... هیئت رسیدگی باید تعیین کند آیا کاستاریکا مستندات لازم را برای ادعای خود ارائه نموده است یا خیر"^{۶۵}. در این قضیه هیئت رسیدگی مستندات ارائه شده از جانب مدعی یعنی دولت کاستاریکا را برای اثبات ادعای خود علیه ایالات متحده کافی ندانست. این موضوع مجدداً در قضیه آمریکا- پیراهن‌ها (دعوی هند علیه آمریکا) مطرح شد. در این قضیه نیز دولت آمریکا معتقد بود مستندات ارائه شده از جانب دولت هند (به عنوان طرفی که بار اثبات اولیه را بر عهده دارد) برای اثبات ادعایش کافی نمی‌باشد.^{۶۶}

قاعده بار اولیه اثبات دعوی در پاراگراف هشتم ماده ۳ تفاهم‌نامه حل اختلاف نیز ملحوظ گردیده است "... هر زمان که نقض تعهدات بر اساس موافقتنامه‌های تحت پوشش مطرح شود و (ثابت شود) این عمل ایجاد یک وضعیت ابطال (حق دیگران) یا ایجاد ضرر را به وجود آورده باشد. این به آن معنی است که این فرض وجود دارد که نقض مقررات اثر منفی بر سایر طرفین آن موافقتنامه داشته است، و در این وضعیت، طرفی که شکایت علیه او تنظیم شده است باید اتهام صورت گرفته را مرتفع نماید"^{۶۷}. لذا چنانچه یکی از اعضا موافقتنامه‌های تحت پوشش مدعی باشد که طرف دیگری مقررات را نقض کرده است و اثبات کند که نقض صورت گرفته منجر به لغو منفعت یا ورود ضرر به او شده

64. Ibid.para.6.28.

65. Panel Report,paras.5.41.

66. Panel Report, para.5.4.

67. Understanding on Rules and Procedures Governing the Settlement of Disputes art.3.8, Apr.15, 1994.

است، بار اثبات دعوی به مدعی علیه منتقل می‌شود. البته نباید تصور کرد که ترتیب عهده‌دار شدن و انتقال بار اثبات دعوی مبتنی بر یک توالی زمانی معین است به این ترتیب که خواهان به عنوان مدعی اولیه، ابتدا مستندات را ارائه می‌دهد و سپس خواننده، در پاسخ دفاعیات خود را همراه با مستندات به محکمه تقدیم می‌کند و تقدم و تأخر تا پایان دادرسی ادامه خواهد داشت. مکانیزم دادرسی در نظام حل اختلاف در مورد بار اثبات دعوی به این ترتیب است که ابتدا مدعی ادعا نامه و مستندات مربوط به دعاوی خود را به هیئت رسیدگی تقدیم می‌نماید. پس از آن مدعی علیه دو تا سه هفته فرصت دارد تا مستندات و دفاعیات خود را ارائه نماید. لذا در جلسه رسیدگی، طرفین اظهارنامه‌های مکتوب و مستندات خود را قبلاً ارائه نموده‌اند. هیئت رسیدگی مستندات را مورد بررسی قرار خواهد داد و در صورت کافی نبودن مستندات مدعی ممکن است از او بخواهد مستندات بیشتری ارائه نماید.^{۶۸}

۳،۲،۲. طرفی که به یک استثنا استناد می‌کند، باید آن را ثابت کند

طرف استناد کننده (طرف ناقض مقررات که ادعای مستدلی علیه او مطرح شده است) به یک استثنا، باید بتواند استثنا بودن اقدام خود را ثابت کند، برای مثال ممکن است کشوری در نقض تعهدات خود به ضوابط ماده ۲۰ گات ۱۹۹۴ (استثنائات عمومی بر مقررات گات) مانند مسائل مربوط به اخلاف عمومی، سلامت انسان و غیره استناد کند. در این حالت، این طرف دعوی (خواننده) باید هیئت رسیدگی را در خصوص رفتار بر اساس ماده ۲۰ متقاعد نماید. هیئت رسیدگی در قضیه ماده قانونی مربوط به بازنگری

68. Barcelo, J John, Burden of Proof, Prima Facie Case and Presumption, Cornell International Law Journal, Vol 42, 2009, p. 38.

همچنین نگاه کنید به: ضمیمه سوم تفاهم‌نامه حل اختلاف، بند ۶ ماده ۱۲، پآگراف‌های ۴ و ۶.

سرمایه‌گذاری خارجی (قانونی که کانادا با استناد به ماده ۲۰ گات وضع کرده بود) اعلام داشت که برخی الزامات خرید محلی که بر اساس قانون مذکور برای خارجی‌ان ایجاد شده است، با فحوای اصل رفتار ملی (ماده ۳ گات) در تعارض می‌باشد.^{۶۹} از آنجا که پاراگراف دال ماده ۲۰ (گات) یک استثنا می‌باشد، دولت کانادا به عنوان طرفی که به این استثنا استناد کرده است، وظیفه دارد ثابت کند الزامات خرید محلی برای اجرای قانون بازنگری سرمایه‌گذاری خارجی ضروری می‌باشد.^{۷۰}

رکن استیناف در قضیه آمریکا- پیراهن‌ها و لباس‌های ابریشمیان قاعده را مورد تأیید قرار داده است که بر اساس آن چنانچه یک طرف دفاعیه‌ای داشته باشد یا به استثنایی استناد نماید، باید آن را ثابت کند.^{۷۱} رکن استیناف در گزارشات خود در قضیه آمریکا- بنزین^{۷۲} و هیئت رسیدگی در گزارشات خود در قضایای آمریکا- لباس‌های زیر^{۷۳} و کانادا- مجله^{۷۴} صراحتاً این قاعده را مورد تأیید قرار داده‌اند.

در قضیه آمریکا- بنزین نیز هیئت رسیدگی به این حقیقت دست یافت که مقررات بنزین آمریکا، ناقض ماده ۳ گات بوده‌اند. به این ترتیب که رفتار دولت نسبت به بنزین وارداتی تبعیض آمیز بوده است. هیئت رسیدگی به دفاعیات آمریکا مبنی بر آنکه بر اساس

69. Panel Reports on Canada- Administration of Foreign Investment Review Act, adopted on 7 February 1984, BISD 30S/140, para. 5.20.

70. USA- Shirts and Blouses, 1998 AB reports, para. 16.

71. USA-Standards for reformulated and Conventional Gasoline (USA-Gasoline, adopted on 20 May 1996, WT/DS2/9).

72. USA- Restrictions on Imports of Cotton and man made Fibre Underwear (USA-Underwear, adopted on 25 February 1997, WT/DS/24/R).

73. Canada-Certain Measures Concerning Periodicals (Canada-Periodicals, adopted on 30 July 1997, WT/DS50/R).

استثنائات مندرج در ماده ۲۰ گات رفتار کرده است، اظهار داشت "...آمریکا به عنوان طرفی که به یک استثنا استناد نموده است عهده‌دار بار اثبات دعوی است... و باید موارد ذیل را ثابت کند:

۱. اینکه اقدامات صورت گرفته در راستای سیاست‌هایی بوده باشد که (طبق ماده ۲۰) به منظور حمایت از حیات یا سلامت انسان، حیوان و نباتات بوده است.
 ۲. اقدامات صورت گرفته که ادعا می‌شود بر اساس استثنائات ماده ۲۰ می‌باشد، باید برای رسیدن به اهداف مورد نظر ضروری قلمداد شوند.
 ۳. این اقدامات در راستای اقتضائات ماده ۲۰ صورت گرفته‌اند.^{۷۴}
- گزارش رکن استیناف در همین قضیه در رابطه با اثبات این امر که اقدامات غیر قانونی صورت گرفته بر مبنای استثنائات ماده ۲۰ بوده است اعلام می‌دارد که اثبات این امر که استناد به استثنائات ماده ۲۰ به منظور سوءاستفاده نبوده است نیز بر عهده طرفی است که به آن استناد می‌کند.^{۷۵} با این وجود باید توجه داشت که در نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت بر خلاف بیشتر محاکم بین‌المللی، امکان طرح دعوی متقابل از جانب مدعی علیه در دعوای مشابه با موضوعات متفاوت وجود ندارد.^{۷۶} لذا چنانچه مدعی علیه در جریان دعوی بخواهد راجع به موضوع متفاوتی متقابلاً شکایتی را علیه طرف دیگر مطرح سازد، باید از ابتدا تمام مراحل مربوط به رسیدگی مقدماتی (مذاکره و سایر راه حل‌ها) به اختلافات در نظام حل اختلاف را طی نماید.

74. Panel Reports, on 20 May 1996, para. 6.20.

75. AB Reports, 22-23.

76. Pawelyne, op.cit.p.241.

۳،۲،۳. قدرت اقناع مستندات

اما اعتبار و وزن مستندات ارائه شده از جانب طرفین دعوی نیز یکی از عوامل مهمی است که در متقاعد کردن محکمه تأثیر بسیار بسزایی دارد. در واقع تا زمانی که مستندات ارائه شده نتواند اثبات یک ادعا را نزد محکمه روشن سازد، بار اثبات دعوی منتقل نخواهد شد. به بیان دیگر طرفی که آن را بر عهده دارد تا زمانی که نتواند محکمه را نسبت به ادعاهای خود متقاعد سازد بار اثبات دعوی را بر عهده خواهد داشت. هر محکمه‌ای مستندات یا شواهد و مدارک ارائه شده از جانب طرفین را مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. لذا هر طرفی که مستندات محکم‌تر و مستدل‌تری ارائه نماید، بخت بیشتری برای متقاعد کردن محکمه نسبت به ادعای خود خواهد داشت. در گزارش هیئت رسیدگی در قضیه ممنوعیت واردات برخی انواع میگو و محصولات میگو (دعوی هند، مالزی، پاکستان و تایلند علیه آمریکا-۱۹۹۸) اعلام شد که در هر دعوی معیار اثبات دعوی زمانی محقق خواهد شد که مدارک کافی برای اثبات یک ادعا فراهم شده باشد.^{۷۷} هیئت رسیدگی همچنین در قضیه برخی اقدامات مؤثر بر صنعت اتومبیل (دعوی آمریکا علیه اندونزی-۱۹۹۸) معیار اثبات دعوی ارائه شده از جانب آمریکا (مدعی) را نپذیرفت و در پاسخ به دعاوی آن کشور اظهار داشت "ایالات متحده به طرز قانع کننده‌ای توضیح نداده است که چگونه سود نامناسب ناشی از برنامه ملی اتومبیل می‌تواند حسب موافقتنامه تریپس، منجر به ایجاد اقتضائاتی برای دارندگان خارجی نشان تجاری باشد"^{۷۸}. لذا بار اثبات دعوی بر عهده ایالات متحده باقی ماند و به مدعی علیه منتقل نگردید. همچنین هیئت رسیدگی با اشاره به رأی رکن استیناف در قضیه اقدامات مؤثر بر واردات پیراهن و

77. Panel Report, Indonesia - Certain Measures Affecting the Automobile Industry (Indonesia-Autos), WT/DS54/R, WT/DS59/R, WT/DS64/R, 1998, para. 14.278.

لباس ابریشم‌پاز آمریکا (هند علیه آمریکا)^{۷۸} اظهار نظر رکن استیناف را واجد دو پیامد اصلی برشمرد: ۱. اینکه هیئت رسیدگی می‌تواند هر نوع مستنداتی را بپذیرد ۲. اینکه هیئت رسیدگی می‌تواند در هر قضیه تصمیم خود را زمانی که به نظرش مستندات کافی برای اثبات یک ادعا ارائه شده است، اتخاذ نماید.^{۷۹}

رکن استیناف تاکنون در این خصوص گزارشی ارائه نکرده است. با این وجود به نظر می‌رسد اعلام نظر رکن استیناف می‌تواند به استحکام رویه نظام حل اختلاف کمک کند.^{۸۰} با این وجود به نظر می‌رسد تأثیر اعتبار مستندات بر ساقط شدن بار اثبات دعوی یا انتقال آن در هر نظام حقوقی غیر قابل انکار است. درست است که طبق یک قاعده کلی مدعی باید ادعای خود را ثابت کند و در صورت اثبات مدعی علیه در پاسخ باید دفاعیات خود را اثبات نماید. اما تشخیص این امر که چه موقع یک ادعا ثابت شده به حساب می‌آید، بر عهده مرجع رسیدگی به اختلاف است. نحوه سقوط بار اثبات دعوی و یا انتقال آن بستگی مطلق به نظر مرجع رسیدگی و ارزیابی‌های صورت گرفته توسط او از مستندات ارائه شده است، لذا منصرف از نقش مستقل سنجش اعتبار مستندات در تصمیم نهایی مرجع رسیدگی در رسیدگی ماهوی، بر نحوه تعیین بار اثبات دعوی که مسئله شکلی آیین دادرسی می‌باشد، نیز تأثیرگذار می‌باشد.

۷۸. رکن استیناف در قضیه اقدامات مؤثر بر واردات پیراهن و لباس ابریشمی (دعوی هند علیه آمریکا)، بر این امر صحه‌گذارد که ماهیت و میزان معیار اثبات دعوی برای اثبات یک ادعا در هر قضیه‌ای، و نسبت به هر اقدام یا مفاد قانونی متفاوت خواهد بود.

79. Ibid. para.7.14.

80. Pfizer. Headen. James & Sabune Sheila, op.cit.p.26.

نتیجه‌گیری

بار اثبات دعوی یکی از مقوله‌های مهم در آیین‌های دادرسی داخلی و بین‌المللی است و مربوط به مسائل شکلی رسیدگی به اختلاف می‌باشد. قواعد مربوط به بار اثبات دعوی ریشه در نظام‌های عرفی و مدون داخلی دارد که تقریباً بدون تغییرات اساسی در ماهیت، وارد نظام حل اختلاف حقوق بین‌الملل شده است، با این تفاوت که در نظام‌های حل اختلاف بین‌المللی مانند نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، مراجع رسیدگی‌کننده از آزادی عمل بیشتری نسبت به محاکم داخلی در تعیین بار اثبات دعوی برخوردار می‌باشند. زیرا، اولاً: در حقوق بین‌الملل بر خلاف نظام‌های حقوقی داخلی با حجم معتناهی از قوانین مختلف در آیین‌های دادرسی مواجه نمی‌باشیم و ثانیاً: در نظام حقوق بین‌الملل به دلیل فقدان یک نظام متمرکز قانون‌گذاری و قضایی، محاکم تنها به اساسنامه یا سند تأسیس خود ملتزم می‌باشند. به بیان دیگر محاکم بین‌المللی مانند جزایر جدا از هم و خودمختاری هستند که از رژیم‌های حقوقی خاص خود پیروی می‌کنند و ملتزم به هیچ نظام جامع بین‌المللی نمی‌باشند. برای مثال اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به هیچ وجه نمی‌تواند برای یک نظام حل اختلاف خاص مانند نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت ایجاد تعهد کند. لذا محاکم بین‌المللی به جز اساسنامه، تنها تابع قواعد آمره و اصول کلی حقوق بین‌الملل در زمینه‌های حل و فصل اختلافات و آیین دادرسی می‌باشند.

اما در خصوص نهاد حقوقی بار اثبات دعوی، معیارها و اصولی وجود دارند که ریشه‌های عمیق در آیین دادرسی دارند. از جمله بار اولیه اثبات دعوی یا بار ارائه دلیل اولیه که بر اساس آن، مدعی باید ادعای خود را ثابت کند. این قاعده کلی در نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، رنگ و بوی خاص گرفته است به این ترتیب که هر عضو سازمان جهانی تجارت که مدعی نقض یک قاعده باشد به طوری که این نقض منجر به بروز ضرر و زیان‌هایی برای او شده باشد، باید با ارائه دلیل و مستندات، نقض صورت گرفته را ثابت

کند. پس از اثبات اولیه و احراز وجود یک مسئله حقوقی از جانب محکمه، بار اثبات دعوی به مدعی علیه منتقل می‌شود، چنانچه مدعی علیه نیز متقابلاً مدعی عمل بر اساس قانون یا استثنائات قانونی موجود باشد، باید با ارائه دلیل و مستندات این ادعا را ثابت نماید. همچنین در آیین دادرسی نظام حل اختلاف امکان طرح دعوای متقابل در همان موضوع خاص از جانب مدعی علیه وجود ندارد، زیرا، هر دعوایی در نظام حل اختلاف، قبل از آن که مورد رسیدگی ارکان حل اختلاف قرار بگیرد طبق تفاهم‌نامه باید مراحل مقدماتی مانند مذاکره را طی نماید. این قواعد و معیارها اگرچه به صورت مدون در اساسنامه یا حقوق سازمان جهانی تجارت مقرر نگردیده اما رویه ارکان حل اختلاف حاکی از تعلق خاطر داوران و قضات سازمان به اصول عام تعیین بار اثبات دعوی در نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی و همچنین اصولی است که به سبب خاص بودن این نظام (از حیث موضوع) در رویه نضج یافته است.

منابع

الف) فارسی

۱. کاتوزیان، ناصر؛ قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر میزان، چاپ پانزدهم، تابستان ۱۳۸۶.
۲. محمدی، ابولحسن؛ قواعد فقه، نشر میزان، چاپ نهم، زمستان ۱۳۸۵.
۳. جکسون، اچ، جان؛ نهادهای بین‌المللی تجارت: گات و سازمان جهانی تجارت، ترجمه محمد جعفر قنبری جهرمی، مجله حقوقی، ش ۲۸، ۱۳۸۲.
۴. فابری، هلن روییز و مارک سورل، ژان؛ آیین‌های دادرسی بین‌المللی، ترجمه و تحقیق از ابراهیم بیگ زاده، مجله حقوقی، ش ۲۴، ۱۳۷۸، ص ۲۳۹.

ب) لاتین

Books

5. Kazazi, Mojtaba, The Burden of Proof and Related Issues- A study on Evidence Before International Tribunals (the Hague, Kluwer Law, 1996).
6. Kolb, Robert, General Principles of Procedural Law, in The statute of the International Court of Justice: A Commentary, (Andreas Zimmerman ed., 2006).
7. McGovern, International Trade Regulation, Globefield Press, Globefield, Exeter EX3 0NA, England. 2002.
8. Van der Merwe et al, principles of Evidence, Cape Town, Juta & Co. Ltd, 1990.

Article

9. Cameron, James & Gray.R. Kevin, Principles of International Law in the WTO Dispute Settlement Body, International and Comparative Law Quarterly, Vol. 50, April 2001.
10. Cho, Sungjoon, Of the World Trade Court's Burden, the European Journal of International Law, Vol.20, No.3. 2009.
11. Pawelyn, Joost, Evidence, Proof and Persuasion in WTO Dispute Settlement, Journal of International Law 1, 1998.
12. Ziegler, R, Andreas, Scope and Function of the WTO Appellate System: What Future after the Millennium Round? Max Planck UNYB 3, 1999.
13. Barcelo, J. John, Burden of Proof, Prima Facie Case and Presumption, Cornell International Law Journal, Vol 42, 2009.
14. Marceau, Gabrielle, WTO Dispute Settlement and Human Rights, EJIL, Vol.13, No. 4, 753-814.
15. Young, Michael K., Dispute Resolution in the Uruguay Round: Lawyers Triumph over Diplomats, 29 Int'l Law 389, 399, (1995).

Working Paper

16. Horn, Henrik & Marvdis c. Petros, Burden of Proof in Environmental Disputes in the WTO: Legal Aspects,
17. IFN Working Paper No.793, 2009.
18. Lambert Botha, Hendrik, Burden of Proof in WTO Law, a Study of the Manner in Which the Concept of Burden of Proof has been interpreted and applied by

the WTO Dispute Settlement Body, 26 Sept. 2002.

Legal Instruments

19. The Statute of International Court of Justice, art. 39-64.
20. Understanding on Rules and Procedures Governing the Settlement of Disputes.

ICJ Reports

21. Case Concerning the Frontier dispute(Burkina Faso v Mali), ICJ Reports, 10 January 1986.
22. Judgment of 20 July 1999, ICJ Reports at 46-47 .
23. Nicaragua Case, Merits, Judgment of 27 June 1986, ICJ Reports, 1986.
24. Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America, Merits, Judgment 6.November 2003,(ICJ Reports, 2003,161.)

Panel & Appellate Body Reports

25. Argentina- Measures Affecting Imports of Footwear, Textiles, Apparel and Other Items, Panel Reports, 25 November 1997.(WT/DS56/R).
26. Canada-Certain Measures Concerning Periodicals (Canada-Periodicals, adopted on 30 July 1997,WT/DS50/R).
27. India – Patent Protection for Pharmaceutical and Agricultural Chemical Products(India-Patent, adopted on 16 January 1998, WT/DS50/R).
28. Japan- Taxes on Alcoholic Beverages (Japan-Alcohol, adopted on 20 May

- 1996,WT/DS8/11,10/11 and 11/8.
29. Panel Report, Indonesia -Certain Measures Affecting the Automobile Industry(Indonesia-Autos), WT/DS54/R,WT/DS59/R,WT/DS64/R,1998.
30. Panel Report, Japan-Taxes on Alcoholic Beverages, 11/July 1996.
31. Panel Report, United States-Section 110(5),of the US Copyright Act(US-Copyright Act),WT/DS160/R,2000.
32. Panel Report ,US-Tax Treatment for Foreign Sales Corporations-Recourse to Article 21.5 of the DSU by the European Communities(US-FSC(21.5)),2001 .
33. Panel Reports on Canada- Administration of Foreign Investment Review Act, adopted on 7 February 1984, BISD 30S/140.
34. Report of The Panel, Thailand-Anti-Dumping Duties on Angles, Shapes and Sections of Iron or Non-Alloy Steel and H-Beams from Poland, 28 September 2000,p. 19,para.7.50 (WT/DS122/R).
35. USA- Restrictions on Imports of Cotton and manmade Fiber Underwear(USA-Underwear, adopted on 25 February 1997,WT/DS/24/R).
36. USA- Shirts and Blouses, 1998 AB reports,para.16.
37. USA-Shirts and Blouses(adopted on 23 May 1997, WT/DS33/AB/R).
38. USA-Standards for reformulated and Conventional Gasoline(USA-Gasoline, adopted on 20 May 1996, WT/DS2/9).